

متن پرسش

بسمه تعالی. . . سلام علیکم استاد عزیز. . . جسارت بنده را ببخشید که با سوالات پیاپییم شما را اذیت میکنم. . . ۲ دلیل دارد ۱- صحبتای شما جوابیست که گه گذاری تذکر میدهم به خودم و تاثیر میگذارد ۲- دوست دارم بیایم و حداقل در حد همین سوال از شما با خبر باشم. . . راستش استاد عزیز ما بواسطه آثار شما تغییر کردیم حدود ۳ سال پیش، تغییری معجزه آسا، در سوال ۲۲۳۵ فکر کنم در مورد بنده اطلاعاتی خدمتتان رسید، و سوالاتی از این قبیل که با نام بنده برایتان عرض کردم (امیدوارم نامم در خاطرتان بماند). . . ما اسیر حرام های بسیار زیادی بودیم، الحمد لله نوری آمد معالجه شدیم و در آن ماه رمضان سال اول بسیار بی علاقه به دنیا و پر انرژی بودیم که شما فرمودید " که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل ها " . . . بعد از آن ماه رمضان کمی سرعتمان کم شد ولی به حرام های قبل برنگشتیم و سعی در ترکش کردیم، که الحمد لله بعضی از حرام ها مثل داشتن دوست دختر و نگاه به فیلم های نادرست حتی خدایی نکرده اگر فکرش می آمد سراغمان بدنمان به شدت به لرزه می افتاد، حتی گاهی شروع به لرزیدن و عرق کردن می کردیم تنها فقط از فکری که ناخواسته به ذهنمان می آمد. . . آن زمان به یکی از جملاتتان رسیدم که گفته بودید "حساب فاطمه را نکرده بودند" تا چند وقت به یاد این جمله می افتادم گریه میکردم چون حس میکردم این ذات مقدسه دستمان را گرفته اند. . . کم کم علاقه به زیارتی (جامعه کبیره) که اصلا حتی فکرش نمیکردیم همچین زیارتی هست و الحمد لله قرار گرفتن معارف نوری اهل البیت در مسیرمان و هزاران خیر دیگر. . . استاد مشکلی هست اینکه بنده احساس علاقه به فیلم و بازی و اینترنت دارم، نه اینکه خدایی نکرده وقت بگذارم و اصلا شاید فیلمم نبینم، اما خب علاقه در دلم هست و گاهی که می آیم نماز بخونم یا جامعه میاد، این علاقه میاد جلو. . . هنوز علاقه هاش هست در ذهنم، گاه گذاری هم سری به بازی ها میزنم اما هی میگذارم کنار و با خودم به شدت در جنگم، دقیقا همانطوری که با حرام ها در ۲ سال پیش در جنگ بودم که به لطف بی بی فاطمه زهرا علیها افضل الصلوات المصلین این جنگ تمام شد. . . و گه گذاری می آید اما میگویم بمیر، میمیرد این علاقه ها. . . جمله ای از استاد مطهری در همان سال ها خواندم معنیش را نفهمیدم اما الان میفهمم که فرمودند: "وقتی در مسیر سیر و سلوک قدم بگذاری و جلو بروی میبینی مشکلاتی در وجودت بود که اصلا فکرش را هم نمیکردی که اینها مشکل است و شما به آن وابسته ای" . . . استاد همیشه دعایتان میکنم، شما هم دعایم کنید. . . بی صبرانه منتظر تذکرات اثر گذارتان هستم. . . موفق باشید.

باسمه تعالی؛ علیکم السلام: وقتی انسان در مسیری قدم گذاشت که غیر از مسیر گذشته‌ی خود بود، و از این طریق به تمایلات نفس اماره‌اش پشت کرد، گاهی خیالات گذشته و عهدی که در گذشته با آن خیالات داشت سر می‌کشند و بعضاً ما را هوایی می‌کنند، تا نتوانیم عهد خود با شرایط جدید را محکم کنیم و در عالم جدید خود وارد شویم. شرط طلوع عهد جدید نه‌تنها پشت‌کردن به عهد قبلی است بلکه صبر و پایداری بر عهد جدید است و در همین رابطه استاد سلوکی مولوی شرط ادامه‌ی راه را این قرار می‌دهد که: «گفت مرا عشق کهن از بر ما نقل مکن.... گفتم آری نکنم، ساکن و یا شنده شدم» نتیجه‌ی پایداری بر عهد جدید آن شد که می‌گوید: «زهره بدم ماه شدم چرخ دوصد تا شدم.... یوسف بودم ز کنون یوسف زاینده شدم». موفق باشید